

رابین پس از حمله بیت لید و تغییر نگرش به تهدید تروریسم، دستور جمع‌آوری اطلاعات در خصوص رهبران حماس را هم صادر کرد. تمرکز او بیش و پیش از هرکس بر یحیی عیاش یا همان «مهندس» بود که در تبعید، آموزش دیده و در بهار ۱۹۹۳ [بهار ۱۳۷۲]، حملات انتحاری را به داخل اسرائیل وارد کرده بود. در طول سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵، عیاش مسئول ۹ حمله انتحاری بود که در آنها ۵۶ نفر کشته و ۳۸۷ نفر زخمی شدند. [صبر] افکار عمومی اسرائیل از دیدن صحنه خون و بدن‌های جزغاله‌شده در اتوبوس‌ها لبریز شده بود. رابین می‌دانست که باید کاری کند، و به همین دلیل برگه قرمز عیاش را امضا کرد.

این هم امر خیلی غیرمعمولی بود. عیاش تروریست‌های انتحاری را از داخل کرانه باختری و غزه (یعنی) مناطقی که تحت کنترل حکومت خودگردان فلسطینی قرار داشت) مدیریت می‌کرد. این، جزو وظایف حکومت خودگردان بود [که با او مقابله کند] و از آن‌ها انتظار می‌رفت که او و نیروهایش را بازداشت کنند. اسرائیل و حکومت خودگردان در آن زمان مشغول مذاکره درباره مراحل بعدی توافقات اسلو بودند و دست زدن به علمیات داخل اراضی [تحت کنترل] حکومت خودگردان، می‌توانست نقض توافق صلح تلقی شده و به یک بحران سیاسی تبدیل شود.

رابین بارها درخواست کرده بود که رئیس ساف، محکم و قاطع برای توقف بمب‌گذاری‌های انتحاری وارد عمل شود. یکی از مسئولین اطلاعاتی که در زمان یکی از گفتگوهای تلفنی رابین با عرفات در کنار رابین بوده، به یاد می‌آورد که رابین داشته به شدت عرفات را سرزنش می‌کرده، بعد هم که تلفن را زمین می‌گذارد، به قول او «با صورت سرخ شده» شکایت می‌کند که عرفات و نیروهایش کلاً برای کنترل حماس و جهاد اسلامی فلسطین هیچ کاری انجام نمی‌دهند.<sup>۱</sup>

عرفات اصلاً منکر این بود که فلسطینی‌ها پشت این حملات قرار داشته‌اند. او تفسیر خاص خودش را داشت (که البته کاملاً هم بی‌اساس بود): یک توطئه تروریستی آشنا. می‌گفت: «یه سازمان سرتی اسرائیلی به اسم OAS که داخل شین‌بت و در هماهنگی با حماس و جهاد اسلامی فعالیت می‌کنه و هدفش خراب کردن روند صلحه، پشت این حملات و بسیاری از حملات دیگه ست.»<sup>۲</sup>

اوایل سال ۱۹۹۵ اسرائیلی‌ها دیگر متوجه شدند هر امیدی در دلشان داشتند که حکومت خودگردان فلسطین، خودش حملات تروریستی را [با دستگیری نیروهای حماس و جهاد] متوقف کند، در بهترین فرض، خیلی غیرواقعی‌گرایانه بوده است. گیلون می‌گوید: «در کنار همه تماس‌ها، گفتگوها، درخواست‌ها و تقاضاهایی که از فلسطینی‌ها داشتیم، نهایتاً به این تصمیم رسیدیم که در ادامه فقط به خودمون تکیه کنیم و هر تلاشی از دستمون برمیاد برای مبارزه با تروریسم انجام بدیم.»

تصادفاً در همان زمان که در ۲۲ ژانویه [۲ بهمن ۱۳۷۳] دو بمب‌گذار انتحاری به بیت لید حمله کردند، یاعکوو پری (Yaakov Peri) رئیس شین‌بت با ییزرائل حسون (Yisrael Hasson) جلسه داشت و از او درخواست کرد که ریاست بخش فرماندهی مرکزی این سازمان را (که کل کرانه باختری تحت پوشش آن بخش قرار داشت) بپذیرد. حسون، که یکی از باتجربه‌ترین نیروهای عملیاتی شین‌بت بود، گفت که فقط به این شرط موافقت می‌کند که شین‌بت، روش برخوردش با یحیی عیاش را به شدت [و به صورت زیربنایی] تغییر دهد.

حسون به پری گفت: «اگر فکر کردی که این یه مشکل محلی برای یه افسر پرونده مسئول رافات [روستای محل تولد عیاش]ه،<sup>۳</sup> داری اشتباه بزرگی می‌کنی. این آدم داره قطار روند سیاسی [و مذاکرات صلح] رو از ریل خارج می‌کنه. تنها راه اینکه بالاخره بتونیم یه کاریش بکنیم اینه که کل شین‌بت و تک‌تک اعضااش هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شن از خودشون بپرسن: برای اینکه یحیی عیاش رو گیر بندازم امروز چی کار می‌تونم بکنم؟»